



دانشگاه مبداهمه تحولات است



دانشجو و دانشجویان قشر برگزیده جامعه اند

جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی قم - مهر ۹۳

فرصت

صمیمی با سردبیر



والله الاسما الحسنی (و برای خداست بهترین نام ها)، شروع کنیم فرصت را با نام پروردگار زیرا پیامبر مهربانی ها فرمودند: کاری که با نام پروردگار شروع نشود ابتر می ماند. این نشریه را تقدیم می کنیم به همه آنهایی که کار می کنند و از اینکه دیگران کاری نمی کنند آزرده خاطرند و تقدیم به همه آنهایی که فرق ساعت ۸ و ۸:۰۱ را می دانند. و همچنین فرصت را در طبق اخلاص، تقدیم می کنیم به شما تازه وارد های دانشگاه صنعتی قم که بعد از ۱۲ سال آموزش عمومی به آموزش عالی راه یافته و هنوز در ابتدای راه هستید. امیدواریم موفق باشید.

در زمانی که اکثر افراد راه را گم کرده اند کم تر کسی به دنبال فاتوس است. اما همه باید بدانند که ما دانشجویان هر کدام مشغلی هستیم که راه واقعی و فراموش شده را به همگان نشان خواهیم داد. یاد خوش قلم های دوران بختی که با همت ترین سردار این طایفه می گفت: راه می رویم برای خدا، شعار می دهیم برای خدا، می جنگیم برای خدا و همه و همه برای خدا ... امیدواریم در این مسیر خدایی ما را یاری نمایید.

مهدی جان (عج) سلام تمامی دوستان فرصتی ام راهی قلبتان، به امید بله گفتنتان در روزی که انشا... سر به دامنان با هزار حیا نگاه بدوزم به چشم حیدریتان و ببرسم ارضیت یابن رسول الله؟

نت به ناز طیبیان نیازمند مباد...



تاریخچه

دانشگاه صنعتی قم در سال ۱۳۸۷ با پذیرش دانشجو در دو رشته کامپیوتر و صنایع در شهر قم تاسیس شد. هدف از تاسیس این دانشگاه به عنوان اولین دانشگاه صنعتی استان، نیل به اهدافی چون: تربیت و تامین بخشی از نیروهای متخصص و مورد نیاز استان و کشور در سطوح بالای علمی بیان گردید. در طول این شش سال دانشگاه صنعتی قم سه دوره ریاستی را به خود دیده و از تیر ماه سال جاری با ریاست دکتر آخوندی، در شش دانشکده و ۸ رشته (برق، مکانیک، عمران، صنایع، پلیمر، کامپیوتر، انرژی و فیزیک مهندسی) با توانی مضاعف به سمت اهداف خود قدم برمی دارد.

معرفی واحدها

از آنجایی که کارشناسان مربوط به هر رشته و دانشکده توسط انجمن های علمی معرفی خواهند شد، در این قسمت فقط به معرفی بعضی از واحد های مورد نیاز دانشجویان خواهیم پرداخت.

آقایان دکتر کریمی معاون پژوهشی، دکتر خوشنویسان معاون آموزشی، دکتر اردستانی مدیر کل آموزش، مهندس بیگایی کارشناس اداره تغذیه، مهندس موسوی مسئول خوابگاه برادران و مهندس اصغری مسئول تغذیه.

و خانم ها مهندس سوهانیان کارشناس امور دانشجویی (شاهد و ایثارگر، کمیته انضباطی، نظام وظیفه و کار دانشجویی) و مهندس رضایی مسئول خوابگاه خواهران. با آرزوی سعادت برای شما.

در هفته ای که گذشت، واقعه ای رخداد که بار دیگر از محبت امت به امام جامعه حکایت می نمود. رهبر معظم انقلاب در هفته گذشته به دلیل یک عمل جراحی ساده در بیمارستان بستری شدند. شاید بستری شدن رهبر امت در نگاه اول تهدیدی برای جامعه اسلامی تلقی شود اما برعکس، این تهدید با تمهید رهبری به فرصتی برای تجدید عهد امام و امت - دلدار و دلدادگان- تبدیل شد.

تجربه نشان داده است که رسانه های بیگانه ضد نظام همواره مترصد فرصت هایی این چنین هستند که با غیبت چند روزه امام امت از جامعه، اوضاع کشور را بحرانی تلقی نمایند، نمونه این شیطنت های رسانه ای را در بهمن ماه سال ۸۵ می شد دید که نه تنها بی سی دروغ پرداز، بلکه فاکس نیوز - رسانه رسمی پنتاگون- را در یک خط به پراکنده کردن شایعات دروغ واداشت.

اما تدبیر و کیاست رهبر انقلاب در تاکید بر رسانه ای کردن واقعه هفته گذشته، نه تنها این نقشه ها و تزریق یاس و اضطراب توسط بوق های دروغ پراکن غربی را ناکام گذاشت، بلکه موج ایجاد شده ناشی از آن تاثیرات کاملاً مثبتی بر مردم و رابطه امام-امت بر جای نهاد. نمایش رفتار رسانه ای و کاریزمای رهبری حتی زمان بستری بر تخت بیمارستان از همین هوشمندی خیر می داد. نمایشی از رهبری که حتی بر تخت بیمارستان نیز با لیختندش به امتش امید تزریق می کند...

نمایش این امر که جامعه ایران حتی تاب کسالت ولو جزئی رهبرشان را ندارند و انعکاس این موضوع در فضای رسانه ها، یکی از این نتایج بود. در این ایام فضای کشور پر شد از دعای سلامتی برای رهبری که امتش همیشه او را با قامتی رشید و محکم و ایستاده دیده اند و تحمل آن را ندارند که نماد مقاومت شان را در بستر بیماری ببینند. تجلی این امر را می شد در دعا و صلوات هایی که در پیامک ها، ایمیل ها و شبکه های مجازی اینترنتی و موبایلی نذر سلامتی رهبری می شد مشاهده نمود. اشعار خودجوش و مردمی که نتیجه شوق مردم به رهبری بود: (ادامه در صفحه ۳)

در جوار بهشت عباس فیض آبادی/ برق قدرت ۹۲

ما در کنار دختر موسی نشسته ایم
اینجا کویر داغ و نمکزار شور نیست
آینه ایم و بهر تماشا نشسته ایم
ما روبروی پهنه ی دریا نشسته ایم

کمتر شهری در کشور عزیزمان همانند شهر مقدس قم میتوان یافت. گویی از تاک معنویت عصاره نابی گرفته و خمره قم ریخته اند. شهری که به ظاهر دروازه ندارد اما خود دروازه بهشت است. شهری که پیامبر در مسیر معراج از آن گذر کرد و بر مردانش درود فرستاد. امروز ما من و تو مهمان این شهریم و در اینجا برای انجام فریضه ای جمع شدیم که هر ساعت عمری عبادت است. در جوار ما حریم مقدس کریمه ایست که کرامتش کم از صاحب سرزمینمان، برادر بزرگوارش، نیست. بانوی که در سالهای محبوس بودن پدر دوشادوش برافراش به سوالات مردم پاسخ میگفت اما حیف است که در اینجا باشیم و حریش را ماوای دلتنگی هایمان قرار ندهیم. مجاور باشیم و زائر نباشیم. حال که مهمان این بانوی کریمه هستیم بیاییم هر چه میتوانیم از خون رحمت نامجلودش بهره ببریم.

همچنین میتوانید پس از هر بار زیارت از امکانات کتابخانه حضرت ایت الله مرعشی نجفی (ره) که در نزدیکی حرم حضرت فاطمه معصومه میباشد استفاده کنید. برای عضویت در این کتابخانه تنها کپی کارت دانشجویی لازم میباشد.

یادنان بماند هر بار که به زیارت میروید ما را هم از دعای خیرتان بی نصیب نکنید.

جامعه اسلامی دانشجویان حامد ملکی/ برق کنترل ۹۲

اینجا دانشگاه است. صدای ما را از روی موج صداقت می شنوید.

به دانشگاه که بیاید کافیتس وارد آن راه رو معروف و نسبتاً طولانی شوید. گویا فقط یک فرش قرمز کم دارد تا گام های بلند و با برکت شما را به کلبه ی درویشی تشکل دانشجویی ما و شما برساند. قدیمی ترین تشکل دانشجویی دانشگاهمان را می گویم. با اتاقی کوچک اما پر از امید. آرام اما پر هیجان. کارمان کار علمی، فرهنگی و البته سیاسی است. حساس و پر دغدغه هستیم همانند شما یک سالی هست که منتظر شما بودیم. خوش آمدید، دختران و پسران ایران اسلامی! راستی از کنکور چه خبر؟! خداروشکر بر وفق مراد بود یا نه؟!

خوب یا بد این دوران خاص هم تمام شد و یک دوران چهار ساله ی دیگری در پیش روست که هر کس به تناسب تلاشش نوشته ای بهره خواهد برد بیشتر است. در پیشگاه شما گرامیان، که به حق، خود واقف به اهمیت این دوران طلایی هستید سخنی به گزافه نگوییم. اما دوران ترم اولی بودن شاید از شیرین ترین و خاطره انگیزترین دوران دانشجویی باشد ولی با همه خوبی هایش براساس تجربه ی من و بیشتر دانشجویان عزیز می من سراغی دارم از احوالشان، جس تنهایی یا سردرگمی و سوالات بی جواب، شیرینی ترم اولی بودن را تحت الشعاع قرار می دهد. ولی غم به دلتان راه ندهید که برادران و خواهران شما در تشکل وزین جامعه ی اسلامی دانشگاه، بی صبرانه مشتاق دیدن تان بودند و هستند تا جوابی باشند برای سوالاتتان.

دندان اگر گرفت، سراپا گوش شنوایی می شویم در برابر تان. اگر حرفی، سوانی، دیدگاه سیاسی یا فرهنگی یا صنفی (مسائل مربوط به دانشگاه و اجزا و اعضای درونش) داشتید، اینجا مکان بروز و ظهور آنهاست. تشکیلاتی که می تواند آزاد راهی باشد برای رشد علمی، فکری و سیاسی شما. یک گاه بزرگ و خودمانی در تالارمات دوران دانشجویی. بسیار خرسند می شوند دوستان شما در جامعه اسلامی اگر افتخار خدمتگزاری شما را داشته باشند. منتظر شما هستیم.

خدانگهدار خوبی هایتان



بچه کس در روز قیامت در امان نیست مگر آنکه در دنیا خدا ترس باشد امام حسین (ع)



کنه کران با عدم تبعیت از رهنمودهای رهبری به کشور خسارت زدن

مصاحبه با جناب دکتر آخوندی / ریاست دانشگاه

محمد صادق آخوندی سرپرست دانشگاه صنعتی قم، حدود دو ماه است که سرپرستی دانشگاه صنعتی قم را برعهده گرفته است. اما ایشان قبلا هم به عنوان مسئول تاسیس دانشگاه در سال ۱۳۸۷ و نیز سرپرست دانشگاه تا سال ۹۰ بودند و بعد از یک وقفه دو ساله مجدداً به دانشگاه بازگشتند. محمد صادق آخوندی افتخار حضور در خانواده ای را دارد که با نام سردار رشید سپاه اسلام، شهید علی آخوندی از فرماندهان جاودان استان قم مزین است. نشریه فرصت بر آن شد تا در گفت و گویی صمیمی و صریح با وی در خصوص دوره مدیریت جدید با سوابق خواندنی را مطرح نماید. آن چه می خوانید گزیده گفت و گوی «فرصت» با ایشان است.

در اولین روزهای تاسیس دانشگاه چه کسانی از شما حمایت کردند؟ چرا اکنون از این حامیان خبری نیست؟

اولین روز آقای دکتر محتاج استاندار بودند، ایشان تمایل داشتند که یک دانشگاه صنعتی راه اندازی شود، ولی اینکه ایشان با چه کسانی بحث کرده بودند بنده اطلاعی ندارم. ایشان با من صحبت کردند و بعد آقای بنایی آمدند وارد قضیه شدند و بعد هم آقای لاریجانی نماینده استان قم شدند و حمایت های جدی از دانشگاه صنعتی قم داشتند.

اینطور نبوده که حمایت نکنند آقای دکتر لاریجانی همواره از دانشگاه صنعتی قم حمایت می کنند. حجم نامه های ایشان در دوره ی من به جایی رسید که در خصوص زمین دانشگاه، در کارگروه توسعه استان - که طبق قانون اساسی اختیارات هیئت دولت را دارد- در سال ۸۷ تا ۸۸ ۱۰۰ هکتار زمین در پردیسان برای دانشگاه مصوب شد.

اگر حمایت دکتر لاریجانی نبود در سال ۸۸ به ما ردیف بودجه داده نمی شد. آنجایی که آقای محتاج گفتند دانشگاه صنعتی قم راه اندازی شود، یک موافقت اصولی با دانشگاه صنعتی شد، اما آقای زاهدی (وزیر علوم وقت) با دادن رشته به دانشگاه موافق نبودند، که آقای لاریجانی نامه ی مستقیم زدند و بعد از این بود که دانشگاه دانشجو گرفت.

مهمترین نقدی که به دوره مدیریت قبلی دارید، چیست؟

من به مدیریت قبلی نقدی ندارم، چرا که هر کسی که مسئولیتی را می پذیرد طبق آن تشخیصی که می دهد، عمل می کند. و اصولاً ترحیح می دهم کار مدیریت قبلی را نقد نکنم. اما مدیریت قبلی را بررسی می کنم تا اگر نقاط ضعفی بوده آنها را پوشش و کار های خوب را ادامه دهم.

مهمترین تغییری که در دستور کار دارید، چیست؟

من نظم و انضباط مالی را در دستور کار دارم. یعنی مهم ترین استراتژی همین بحث خواهد بود. اصلاح فرهنگ سازمانی دانشگاه نیز در دستور کار قرار دارد. به گونه ای که ما بدانیم استاد جایگاه بالایی دارد و دانشجو جایگاهش کجا هست و کارمند در کجای این پازل قرار دارد. و یک نوع احترام متقابل در شان و جایگاه هر کسی مطرح باشد.

شبهه ای که درباره زمان مدیریت شما در برخی شبکه های اجتماعی دانشجویان دانشگاه منتشر شد، سختگیری شما در مسایل انضباطی و آراستگی ظاهری دانشجویان بود و حتی گفته می شود شما شخصاً به برخی دانشجویان تذکر در خصوص پوشش می دادید. چه قدر این موضوع درست است؟

دانشگاه را در زمانی که من بودم، دو قسمت کنید. یک زمانی بود که من در راه اندازی های مقدماتی بودم. یعنی چهارده ماه به طول انجامید تا حراست در دانشگاه صنعتی قم ایجاد شد. در زمانی که حراستی وجود ندارد، خود بنده مسئولیت حراست را نیز بر عهده دارم. تمام ارکانی که وجود نداشت من مسئول راه اندازی آن بودم و در واقع باید آن را به نحوه ای مدیریت می کردم. در آن زمان من بعضی مواقع مجبور می شدم تذکراتی بدهم. این یک موضوع واضحی هست. حال یک زمان بخش دیگری است که دانشگاه تاسیس شده است. اینجا ساختار و تشکیلات دارد. من اعتقاد دارم هر بخشی از دانشگاه باید وظیفه ی خودشان را انجام دهند. اگر آن زمان به من می گفتند این حکم ریاست دانشگاه صنعتی قم، خوب من قبول نمی کردم، چون چیزی نداشت که بخواهم به عنوان ریاست آن بروم؛ مسئول راه اندازی بودم و می بایست خشت به خشت این دانشگاه را راه اندازی می کردم. لذا در یک زمانی عادی بود که در غیاب حراست بنده مسئولیت آن را بر عهده بگیرم.

چه قدر موضوع حجاب و عفاف را جدی خواهید گرفت؟

اعتقاد من بر این هست که ما دانشگاه صنعتی قم هستیم و باید در چهار دیواری خودمان به قوانین عمل بکنیم. از بعد اعتقاد فردی معتقد هستم که باید به بحث های مذهبی جوان ها پرداخته شود و برای آنها آموزش قرار داده شود و نگاهشان به موضوعات را بهبود بدهیم. و معتقدم و از لحاظ تشکیلاتی مطابق قانون با آن رو به رو خواهیم شد.



چه شد که که از ریاست دانشگاه کنار رفتید؟

من بار ها نامه زدم که معاونت هایم را برای ریاست دانشگاه معرفی کنم. چهار سال تلاش کردم که دانشگاه را از صفر راه اندازی کنم و حقیقتاً خسته کننده بود. و در ضمن من مسئولیت های دیگری نیز داشتم. که از آنها به نوعی نمی توانستم شانه خالی نمایم.

با توجه به این که در بعضی رسانه ها در بدو انتصاب اشتباه شما را با یکی از اساتید حامی فتنه در سال ۸۸ به دلیل مشابهت اسم اشتباه گرفتند، موضع شما در قبال فتنه ۸۸ چیست؟

فکر می کنم باید یک بحث ساده ای را انجام بدهیم. من شخصاً به ولی فقیه اعتقاد و اعتماد دارم. دو تا بحث هست. اعتقاد دارم که باید ولی فقیه داشته باشیم و اعتماد دارم که ولی فقیه که حال حاضر بدان اقتدا کرده ام می تواند مشکلات ما را حل کند. ایشان تجربه و توان لازم را دارند و خیلی خوب توانسته اند این کشور را در مقابل آسیب ها و مشکلات حفظ کنند. ما باید بپذیریم وقتی ولی فقیه ما در زمانی عده ای را می گوید که بیاید کار کنید و آنها یک مسیر اشتباهی را می روند و در آن مسیر اشتباه اصرار می ورزند تا قبل از اینکه اصرار به اشتباه کنند آنها جزو ما بودند اما زمانی که ولی فقیه آمدند و گفتند که شما دارید از مسیر و راه راست خارج می شوید، باید اقتدا می کردند. چون اقتدا نکردند اینها فتنه را به پا کردند. و صدمات بسیار زیادی برای نظام ما داشتند. بیشتر صدمات معنوی بود و بسیاری هم صدمات مادی مطرح بود. وظیفه ی همه هست بدانیم که باید مسیری را انتخاب کنیم که دیگر چنین اتفاقی نیفتد. نکته ی اساسی این است که باید از مسیر هایی که باعث می شود عود ما در فتنه قرار بگیریم و دیگران را به فتنه بکشیم و برای نظاممان صدمه ایجاد می کند، فاصله بگیریم. و ساده ترین کار آن تیری جستن است.

محل دانشگاه و گرفتن زمین یکی از مسایل جنجال ساز در دوره ریاست قبلی بود که علی رغم وعده های ایشان و اظهاراتشان ظاهراً زمینی برای مکان جدید دانشگاه هنوز قطعی نشده. شما چه قولی در این زمینه می دهید؟

ببیند بحث زمین قبل از اینکه دکتر مشکوره بیایند در همین نقطه بود. یعنی مجوز های لازم برای اینکه استان به دانشگاه صنعتی قم زمین بدهد بود فقط یک نکته وجود داشت، و اینکه چون زمین در پردیسان بود و ما می خواستیم به تهران نزدیک باشیم و با وزارت علوم توافق کرده بودیم که دانشگاه در مسیری قرار بگیرد که بتواند سرریز دانشجویان تهران را به خود اختصاص دهد. مجوز هیئت دولت داشتیم برای صد هکتار زمین و مصوبه ی هیئت دولت داشتیم برای زمین مجانی و کار های زمین تا حدود زیادی در استان انجام شده بود. حالا اینکه تا الان اتفاقی نیوفتاده است این را باید جناب دکتر مشکوره پاسخگو باشند. که چرا استان با ایشان همکاری نکرده است و ایشان نتوانسته اند زمین را بگیرند. روزی که من آمدم یک نامه آمد تشریح زمین دانشگاه صنعتی قم داده شده. یعنی صد هکتار، شش هزار متر شده است. من از روری که آمده ام بالای ۵ جلسه با دکتر لاریجانی داشته ام و نامه ای ایشان گرفته ام برای وزیر مسکن و با جدیت بحث زمین دانشگاه صنعتی قم را پیگیری کنم. از طرفی وزارت علوم به چند پیگیری زمین دانشگاه هستند. همه ی اینها در حال انجام است تا زمینی به نام دانشگاه صنعتی قم زده بشود. اگر خدا بخواهد و عمری باشد امیدوارم در سفر جناب آقای ریسی جمهوری به این بحث زمین دانشگاه صنعتی قم حل بشود.

با توجه به این که رهبری، مدیران دانشگاه ها را از ورود و فعالیت های سیاسی منع کرده اند و خواستند تا فعالیت و ایجاد نشاط سیاسی به تشکل های دانشجویی و سیاسی سپرده شود، شما چه نگاهی در این زمینه دارید؟

دانشگاه متعلق به دانشجو هاست. تشکل های جایی است که در آن دانشجو ها بیایند و یک سری تجربیات در آن به دست بیاورند. تشکل ها را محلی برای پرورش مدیران آینده می دهم. من فکر می کنم اگر به دور از جنجال های سیاسی این تجربیات را پیدا بکنند به خودشان صدمه کم تر خواهد خورد و برای خودشان رزومه ای قوی تر خواهند داشت تا در آینده مسئولیت و مدیریت بپذیرند. برای آنکه با تشکل ها بتوانم کار بکنم در قالب طرح و برنامه کار خواهیم کرد چرا که معتقدم باید برای آینده مسئولیت پذیر بشوند.

متأسفانه روحیه تقدپذیری مدیران قبلی دانشگاه بسیار پایین بود و معمولاً نقدهایی که توسط تشکلهای دانشجویی و برخی اساتید دانشگاه صورت می گرفت با واکنش شدید و تهدید مواجه می شد. شما چه قدر به تقدپذیری توسط دانشجویان، تشکل های دانشجویی و نشریات پایبند خواهید بود؟

ببینید من نظرم بر این هست که نقد پذیری، همانطوری که کل نظام ما بر اساس آن استوار هست می تواند به ما کمک کند تا نقاط ضعف کار خودمان را در این نقد و بررسی ها ببینیم. اما یک نکته این است که تشکل ها در خدمت چه کسی هستند. در خدمت این هستند که این مجموعه و تشکیلات دانشگاه را بهتر مدیریت کنند و دانشگاه را از امکانات بیشتری بهره مند سازند یا تشکل ها در واقع مجموعه ای هستند که باید یک طوری با مدیریت دانشگاه به چالش برسند که مسائلی را برای خودشان اثبات کنند. اما نه تنها تشکل ها بلکه کل ساختار دانشگاه باید بتوانند رییس دانشگاه را نقد کنند. و البته ما هم باید بتوانیم تشکل ها را نقد کنیم. این موضوع دو طرفه است. من معتقدم از پیشنهادات و نقد هایی که ارائه راهکار به هماء دارند، همیشه استقبال کنم. نهایتاً نقد یک بحثی است در قالب امر به معرف و نهی از منکر و باید صورت بگیرد.

با توجه به این که مدیریت قبلی اعتقاد چندانی به مدیریت دانشگاه توسط مدیران و اساتید بومی نداشت و بسیاری از کارمندان و اساتید و حتی خود ایشان قومی نبودند و این منجر به عدم حضور در دانشگاه در بسیاری مواقع می گردید، شما چه برنامه ای برای استفاده از اساتید و کارمندان بومی و حتی از بین فارغ التحصیلان بومی دانشگاه دارید؟

از نظر من کسی که اینجا هست و همه ی کسانی که اینجا کار می کنند بومی هستند. یعنی قم یک شهر مهاجر پذیر است.

بنابر این تمام کسانی که در حال فعالیت هستند اینجا، بومی هستند. اعتقاد من بر این هست که هر کسی بتواند مسئولیت پذیر باشد و علاقه به دانشگاه صنعتی قم داشته باشد و حاضر باشد برای شهر کریمه ی اهل بیت در این دانشگاهی که در این شهر قرار دارد تلاش بکند و وقت بگذارد قابل احترام است. اما نظم و انضباط را دنبال خواهیم کرد. و ما بهترین دانشجو ها را داریم. ما بهترین اساتید را داریم. اساتید از دانشگاه های مطرح کشور. خواهش من این است که دانشجو ها وقت بگذارند و از اساتید استفاده کنند. و کسی که مسئولیت می پذیرد باید به نحو احسن آن را انجام دهد.

برنامه ی شما برای ارتقای سطح علمی دانشگاه و ارتباط دانشگاه با صنایع استان چه هست؟

من برای دانشگاه چند برنامه ی اساسی دارم. اول باید بحث زمین را حل کرد. چرا که تا زمین نداشته باشیم نمی توانیم از جایی اعتبار بگیریم. ما هر سالی که زمین را دیر تر بگیریم حدود ۱۰ الی ۱۵ میلیارد تومان اعتبار تملک نگرفته ایم. اگر چار سال پیش ما زمین گرفته بودیم الان ۵۰ میلیارد یا بیشتر اعتبار داشتیم. بر این اساس تمام وقتم را در دو ماه گذشته روی گرفتن زمین اختصاص دادم.

گام بعدی اینست که پژوهش اساتیدمان در دانشگاه جدی بگیریم. اعتباری به مبلغ ۳۵۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده که آموزش بخشی از کار آنها است و بخش دیگر پژوهش است و باید تعداد مقالات ما افزایش پیدا کند.

اگر پژوهش بالا رود و پویایی علمی ایجاد شود اینجاست که می توان با صنعت ارتباط بالا و خوبی داشت. البته با صنایع استان صحبت های بسیار خوبی هم شده است.



دوست عزیز سلام

همانطور که میدانید هر جامعه ای فرهنگ خاصی دارد؛ مثلاً در خوراک، پوشاک، سبک زندگی، طریقه ی گفتار و رفتار و ... در واقع این فرهنگ در غالب بایدها و نبایدهایی که به آنها ارزش و هنجار گفته می شود طی سالیان متمادی در بین مردم یک جامعه تثبیت میشود. مسلماً وقتی این هنجارها شکسته شوند جامعه دچار بی نظمی و آشفتگی می شود. یکی از این هنجارها نوع و حدود پوشش مردم جامعه است. امروز در جامعه ی ما هنجارشکنی های زیادی در این مورد دیده می شود و لذا فرهنگسازی در این زمینه بسیار مورد تأکید است. ما در حال حاضر در جامعه ای زندگی می کنیم که خانم ها نسبت به گذشته نقش های بیشتری را در اجتماع دارند و از آنجایی که زن با زیبایی و زینت خود نقطه ی ضعف یک مرد است، نیاز به اینست که زن پوشش خود را طوری برگزیند که مانع جلب توجه مردان نشود تا در محیط های تحصیل و کار و رفت و آمد در جامعه نگاه ها به سمت جنس زن نباشد. بلکه نگاه به یک انسان باشد. همه ی ما دوران کودکی و نوجوانی را گذرانده ایم و می دانیم که نپ زدن و سعی در جلب توجه دیگران و بعضاً میل به هنجارشکنی از ویژگی های دوران نوجوانی است. دورانی که مغز نوجوان تحت تأثیر هورمون هایی است که به بیقراره وارد خون می شوند و قدرت تفکر صحیح و منطقی و تصمیم ها و انتخابهای معقول را از نوجوان میگیرند، اما همه ی ما اکنون وارد دوران شیرین جوانی شده ایم. احتمالاً تا قبل از این تحت تأثیر محیط مدرسه و درس و کتکور کمتر به مطالعه پرداخته اید. از همین الان به بعد بیشتر می توانید مطالعه کنید و باورها و رفتارهای خودتان را طبق اصول صحیح تغییر دهید و با تثبیت کنید. اطراف خود را با دیدی وسیع تر و چشمائی بازر ببینید. الان دیگر می توانید منطقی تر فکر کنید؛ هنجارها و ارزش های جامعه یتان، که همان بایدها و نبایدهای زندگی ما هستند را در نظر بگیرید؛ خودتان فکرت کنید نگذارید دیگران برایتان تصمیم بگیرند. دیگری که می گویم منظوم رسانه ها، خانواده، سیستم آموزشی و ... است. رسانه که میگویم منظوم موبایل، اینترنت، صداوسیما و ماهواره و ... است. سعی کنید تحت تأثیر جو اطرافتان نباشید. به قولی اگر همه افتادند توی چاه آیا شما هم خودتان را توی چاه می اندازید؟

ما اکنون در قرن ۲۱ زندگی میکنیم، این فضا حتماً که در حجاب خانم ها و آقایان و مخصوصاً در آرایش مو و صورت و پوشش خانم ها مخصوصاً در شهرهای بزرگتر دیده می شود قابل پذیرش نیست، بالاخره هر جامعه ای نظامی حاکم و ارزش ها و هنجارهایی مخصوص به خود دارد که نباید آنها را زیر پا گذاشت و به طور قطع دیده شده که در وهله ی اول خود بدحجاب ها از این کارشان ضرر می بینند زیرا به کرات دیده شده که بدحجابی نامنی می آورد و اگر عمیق به این مسئله نگاه کنیم خواهیم دید که با بی عفتی زنان، جرات و جسارت مردان هم بیشتر میشود و این نامنی که در پس آن می آید گریبان گیر خانم های محجبه هم میشود. پس حجاب برای خانم ها مانند یک حدو مرز است که حریم شخصی زن را حفظ میکند و برای خانم ها مصونیت و امنیت می آورد تا به راحتی در اجتماع رفت و آمد داشته باشند. به قول جمله ی معروف "حجاب مصونیت است، محله دست نیست"

دوست عزیزم مخلص کلام اینکه برای اعتقادات، باورها، رفتارها و بایدها و نبایدهای خود مطالعه کنید و سعی کنید تحت تأثیر رفتار دیگران و جو اجتماع نباشید بلکه خودتان تصمیم گیرنده باشید.



همانا من برای امر به معروف و نهی از منکر و اقامه نماز قیام کردم. امام حسین (ع)



سلام، ندیده میگویم حتما خیلی سوال توی ذهنته. خوب منم واسه همین دست به قلم شدم. سعی میکنم در حد قابل قبولی توضیح بدم. شاید سوال کنی حالا که اومدم دانشگاه دقیقا باید چیکار کنم؟ فقط درس بخونم؟ توی تشکلهای کارکنم؟ و از این جور سوالات. خوب اگه از من میپرسی باید بگم، هدف اولین چیزه که باید مشخص بشه و البته سخت ترین. اگه هدف را مشخص کردی که حله و گرنه با توجه به محدودیتها و علاقه ها توانایی هات هدفت را مشخص کن.

کارمندی، کارآفرینی یا کارعلمی و پژوهشی. هر کدام یک هدفه که باعث میشه به رویه خاص را توی دوران دانشجوییت انتخاب کنی. اگه از من میپرسی میگویم مشورت یادت نره هر کدام از این سه مورد که گفتیم میتونی مصداقش را توی دانشگاه بین دانشجویها یا اساتید پیدا کنی که میتونن راهنمای خوبی برات باشن. میتونن تو را با حقایق زیادی آشنا کنن تا گرفتار رویا و اوهام نشی و هدفت را درست انتخاب کنی.

این نکته را یادگیری داشته باش:

مَنْ أَوْمَأَ إِلَى مُتَفَاوِتِ حَدَثَاتِ الْحَيْلِ (علی علیه السلام)

کسی که به کارهای گوناگون بپردازد، خوار شده و پیروز نمی گردد.

شاید بپرسی دیگه چی؟ فقط اشتغال به درس کافیه؟ خوب اگه از من میپرسی باید بگم نه. تک بعدی بودن کار غلطیه. سعی کن راجع به مسایل سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و مذهبی هرچند کم کسب اطلاعات کنی و راجع به تصمیم گیری هایی که انجام میشه بی تفاوت نباشی چون این مسایل برای تو و جامعه مهم هستن و در سرنوشت افراد موثر هستن و بزرگترین آفت بی تفاوت بودن نسبت به اونهاست.

اگه از من میپرسی میگویم فقط این کافی نیست، سعی کن توی یکی از این زمینه ها که علاقه داری اطلاعاتت را وسیع تر و عمیق تر کنی تا بتونی حرفی واسه گفتن داشته باشی و بتونی به قدم واسه حرکت رو به جلوی خودت و جامعه خودت، حداقل در سطح دانشگاهت برداری.

خدایا شکر توی دانشگاه تشکلهای دانشجویی زمینه و محتوا را فراهم کردن و میتونی استفاده کنی.

خوب دیگه اگه سوالی داری من حال صحبت ندارم! ایشالا توی جامعه اسلامی دانشگاه بیشتر با هم آشنا میشیم. فعلاً



درکوشی با ترم اولی ها

خانم هاشمی / پلیمبر ۹۰

سلام و صد سلام به شما که، شاخ غول کنکور رو شکستید و میخواید بشید دانشجوی. من هم یکی ام مثل شما! البته چند تا پیرهن بیشتر از شما پاره کردم. قبل از ورود به دوران شیرین دانشجویی میخوام شما را با برخی پدیده های مهم این دوران، که یک سری مدام با اون ها سر و کله میزنند، آشنا کنم. امیدوارم خوشتون بیاد

۱. رشد کاریکاتوری

برای اینکه در تمامی ابعاد رشد کنی و به عارضه ی بالا دچار نشیدی، مصرف همزمان داروهای تقویتی زیر رو پیشنهاد میکنم:

۱. خانواده - تفریح و ورزش - مطالعه (درسی و غیر درسی) - کار گروهی در کنار کار فردی - برنامه ها و مسابقات دانشگاه - تغذیه ی مناسب روحی و جسمی

۲. کاهش زودتر فهمیده بودم

سال بالایی های مورد اعتماد میتونن به عنوان یک منبع غنی از اطلاعات و تجربیات مورد توجه قرار بگیرند! این یعنی استفاده از عناصره ی چند سال دیگران

۳. شب زنده داری های قبل امتحان و دعا های مخصوص بعد امتحان

با حضور منظم در کلاس و تمرکز روی سخنان استاد و مطالعه ی درس هر روز همان روز میتونید با صرف وقت کمتر، نتیجه ی بهتری بگیرید و همیشه مطمئن باشید جزو نفرات برتر کلاس هستید. البته پیش مطالعه هم کمک زیادی میکنه.

۴. پولام؟؟؟؟؟؟

برای اینکه ناگهان با کیف/جیب خالی مواجه نشید میتونید هزینه هاتون رو یادداشت کنید تا علاوه بر اینکه مطمئن میشوید پولهاتون غیب نشده، مدیریت اقتصادی رو هم یاد بگیرید

۵. نارافیق

تجربه نشون میده نداشتن دوست از داشتن دوستان بد بهتره، پس نیازی به عجله نیست! با صبر و دقت دوستانتون رو انتخاب کنید و آنگاه تمام دوستیتان را نثارشان کنید (البته نه تمام اعتمادتان را). یک دوست خوب به رشد شما کمک میکنه، نه همیشه با تاید شما بلکه گاهی با هم با تقدشما. ناگفته پیداست که بهترین دوست هر کس خداوند است.

۶. اتاق ما (این شماره هدیه ی ویژه به دوستان خوابگاهی)

به مرور زمان میفهمید اتاق شما مانند خانه شمامست، که تا حد بسیار زیادی در موفقیت شما موثر است. پس بهتر است با هم اتاقی هایتان به یک توافق همه جانبه برسید و همواره برای صمیمیت در اتاق تلاش کنید. سعی کنید به شعار «اتاق ما، خانه ی ما، جامعه ی عملی بیوشانید».

خلاصه اینکه دانشجوی باید به معنای حقیقی کلمه یعنی دانش را با تمام ابعادش بچوبید آن هم با عملی کردن آن نه صرف خواندن. بدترین تفکری که این دوران شیرین را به کامتان تلخ میکند این است که بخواهید همه را از خود راضی کنید و تنها تفکری که هر روز موفقیت جدیدی را برایتان به ارمغان می آورد و درهای جدید را به رویتان میگشاید، تصمیم و تلاش برای جلب رضایت خداست.

شما میتونید این دوران را به بهترین و زیباترین دوران زندگیتان مبدل کنید، مراقب فرصت ها باشید...



(ادامه از صفحه ۱)

«بند بند از هم گسست این قلب طوفان دیده ام / روی تخت افتاده ای آقای باران دیده ام / نذر کردم دردهایت مال من باشد عزیز / دردهایت مال من انگار درمان دیده ام» ، «دردت به جان، جان به لبم کرده ای بین / یک رنگ، رنگ روز و شبنم کرده ای بین / تو تب کنی، مرده ام آقا به جان تو / مقتول تیغ تاب و تبم کرده ای بین!» ، «عزمون اوزون اولسون اوره بین بویدا / حیاتین شاد اولسون گوزلرین کیمی / آرخان دا برک اولسون بیخلماز اولسون / دوشمه نی قورخودان سوزلرین کیمی / آلااه دان ایسته ریک جان ساغلیغینی / یاشارسان هر زمان اوره بییمیزده / باشیمیز سنینله هر زمان اوجا / سندن دیر خیریمیز ، امه بییمیزده» ، «جان ما را بگیر آن که خودش / حفظ کرده همیشه جانت را / خبر رفتن اناق عمل / کشته از صبح عاشقانت را» ، «بگو بعیر مرده ام بین که سر سپرده ام / به حکم چشم های تو نه حکم اجتهادها / نه هاشمی نه خاتمی نه احمدی نژادها / فدای تار موی تو تمام حزب بادها» و شعر زیبایی که شاعر آیینی کشور مهدی فرجی سرود : «حال من خوب است اما با تو بهتر می شوم / آخ تا می بینمت یک جور دیگر می شوم / با تو حس شعر در من بیشتر گل می کند / باسم و باران که می بارد معطر می شوم / در لباس آبی از من بیشتر دل می بری / آسمان وقتی که می پوشی کیوتر می شوم..»

و دهها شعر دیگر از این دست که در عرض چند ساعت در میان شبکه های اجتماعی دست به دست چرخید. تجدید عهد با رهبری معظم تنها به همین خلاصه نشد و در بسیاری از مساجد شهرهای مختلف ایران سفره های نذری برای سلامتی رهبری عزیز برپا شد. اما گستره این ابراز محبت به شیفتگان ولی فقیه به مرزهای ایران محدود نشد و مجالس شکرگزاری برای سلامت رهبری و سفره های نذری در میان مسلمانان شیفته رهبر مسلمین جهان، در کشورهای مختلف به پا شد. بیهوده نبود که شاعری در همین اثنا چنین سرود که :

«آقاجان! از صنعا تا ضاحیه / از پاراچنار تا سامرا / از باکو تا مدینه / از نیجریه تا دهلی / در غم فرو می رود / وقتی شما بر تخت باشید / به خاطر آن جوان پاراچناری / به خاطر آن جوان اهل نیجریه / به خاطر آن جوان مدافع حرم عمه ات زینب / به خاطر آن جوان عاشقت در جنوب لبنان / به خاطر آن جوان فلسطینی / به خاطر آن جوان بحرینی / که تنها با توکل به خدادل به رهبری ولی خدا بسته و پنجه در پنجه مستکبرین عالم شده اند / دیگر نبینم مرصیتان را!»

محمد حسن صادقی پور

سیر روشن مصطفی

یادم میاد ده ساله بودم و قرار بود تو آزمون شرکت کنم و استرس زیادی داشتم که نکنه قبول نشم

وقتی به پدرم از این نگرانیم گفتم گفت: یادت باشه تو زندگی مهم نیست به چیزی که میخوای میرسی یا نه، مهم اینه که همه تلاشتو واسه رسیدن بهش انجام دادی یا نه. حرفش درست بود ولی به لحظه فکر کن واسه انجام به کاری و کمک رسوندن به کشورت همه وقتتو برزای و چند قدم دیگ تا رسیدن به هدفت نمونده باشه و به دفعه بیان بکن جناب خسته نباشین. قضیه کلا متغی شد و هدفی که شما داری دیگ به هیچ دردی نمیخوره و اگر هم بخوای به تلاشت ادامه بدی ما جلوت و ایمیمیم، شما باشی چکار میکنی؟؟؟

این اتفاق همون اتفاقی بود که برای شهید مصطفی احمدی روشن تو سالی که غنی سازی تعویق شد افتاد در گفت و گویی حجت ملکی صمیمی ترین دوست شهید از خاطرات اون روزها برامون میگه:

((سالی که غنی سازی اورانیوم تعلیق شد، مصطفی آرام نمی گرفت. آن موقع من مسوول سیاسی بسیج دانشگاه شریف بودم. دوستان را جمع کرد و گفت: ببینید برویم جلوی وزارت خارجه جمع کنیم. گفتم: مگر با یک تجمع درست می شود؟ گفت: فقط یک ماه دیگر مانده تا به سه و نیم درصد غنی سازی برسیم. نباید اجازه دهیم این همه زحمت بر باد برود. اصرار کرد. با اینکه غنی سازی انجام می شد یا نمی شد، مصطفی حقوقش را سر موقع می گرفت. با این حال ساکت نشست. خودش به این در و آن در می زد و به دفتر هر مسوولی که می توانست می رفت و شخصا پیگیری موضوع می شد. می گفت اگر به سه و نیم درصد غنی سازی برسیم خیلی از مشکلات حل می شود. اراده اش واقعا عجیب بود.))

ما دانشجویان دانشگاه صنعتی قم تو سیر می قدم گذاشتیم که هدفمون همون هدف شهید احمدی روشن هست

یعنی کمک به کشورمون برای پیشرفت پس، یادمون باشه تو مشکلات این مسیر از این شهید و دیگر شهدای علمیمون کمک بگیریم و از شون الگو برداری کنیم



با اجازه نسر جان

مصطفی مهدی پور / فیزیک مهندسی ۹۱

با توجه به این که ریاست جدید دانشگاه سر کار هستند... ببخشید، بر سر کار آمده اند. بنده پیش بینی های خودم را (البته با اجازه از آقای نستر آداموس) از وضعیت آینده دانشگاه به سمعان میرسانم:

- رئیس جدید در اولین سخنرانی خود به روی سن رفته و خطاب به دانشجویان میگوید: ما خزانه را خالی تحویل گرفتیم و بودجه دانشگاه صفر است.
- و در حین صحبت های ایشان یک نفر که صندوق مقوایی بزرگی در دست دارد بین دانشجویان میگردد و کمک های مردمی به دانشگاه را جمع میکند.
- از آنجایی که رئیس قبلی قول تبدیل قسمت انتهایی و باتلاقی دانشگاه را به زمین گلف و والیبال ساحلی داده بودند، رئیس جدید با اعلام عدم امکان این کار، قول تأسیس یک استخر شنای دو طبقه را میدهند.
- از آن جایی که تا الان هنوز سلف دانشگاه به کسی واگذار نشده است و بوفه هم بعید است تا اواسط ترم باز شود، تا نیمه مهر ماه جمع قابل توجهی از دانشجویان به علت ترسیدن مواد غذایی کافی جان به جان آفرین تسلیم میکنند.
- قیمت خوابگاه با رشد ۱۲۰ درصدی خود عده ی زیادی از دانشجویان و خانواده های آن ها را به بیمارستان میکشانند و آن ها را به جمع فنر داران می پیونداند! یعنی در قلبشان فنر میگذارند. در عین حال مسئولین لیخنه ملیخی بر لب دارند و مشغول خوردن جای در اتاق خود هستند.
- حقوق اساتید حق التدریس در دوران رئیس قبلی تا هفت هشت ماه به تاخیر می افتاد، بنابه این قانون من در آوردم که: «هرچیزی زیادش خوبه!» در این دوره تا یکی دو سال به تاخیر میافتد.
- احتمالاً بعد از این در نشریات اجازه ی انتقاد داده نمیش...! روان نویسمان را کجا بردید؟! وایسا... وایسا...

اصلاً با مداد مینویسم. عرض میکردم احتمالاً اجازه نقد و صحبت کردن درباره ی ... ای بابا مدادمان را هم برد لا مروت!



تصویر یک جنگ

مرتضی خواجه محمود آباد / برق قدرت ۹۰



اپیزود اول: چرا جنگ هفت هفته ای را رژیم اشغالگر قدس شروع کرد؟ این جنگ بر پی اتهاماتی مبهم و اثبات نشده از سوی رژیم صهیونیستی شروع شد و در پی آن چند نوجوان فلسطینی را به قتل رسانید. سپس با حمله هوایی و سپس زمینی اسرائیل جنگ شروع شد ولی اهداف استراتژیک از حمله به قرار زیر می باشد.

۱. صهیونیست ها به امید ارض موعود پوشالی خود به غزه حمله کردند و هر حرکت دیگری که شکل می دهند تلاش می کنند به آن سمت حرکت کنند. ۲. رژیم اشغالگر قدس دچار اشتباه محاسباتی شده و گمان می ورزید با شناختی که از ادوات و تجهیزات حماس دارد این بار پیروز میدان می شود. ۳. ساختار اجتماعی رژیم صهیونیستی به شدت دچار تعصبات قومی و قبیله ای است به طوری که این اختلافات، خوف از هم گسستگی را از درون رژیم صهیونیستی در مقامات ایجاد کرده است. تحلیل گران عقیده داشتند وجود یک دشمن خارجی می تواند هم بستگی دوباره در جامعه یهودی را شکل دهد.

اپیزود دوم: در حین جنگ ۱. مقامات صهیونیستی نه تنها از کشتار زنان و کودکان صهیونیستی ابراز تاسف نمی کردند بلکه صراحتاً اعلام می کردند که ما خواهان کاهش جمعیت نوار غزه هستیم. توجیه شان این بود که نیروهای حماس از مدارس و مساجد استفاده شبه نظامی می کند و در جنگ از سیر انسانی برای در امان ماندن تجهیزات نظامی استفاده می کنند. آنها خوب می دانند کودکان امروز فلسطینی رزمندگان فردای حماس می شوند و هیچگاه از کشتار آنها دست بر نمی دارند. تصاویر منتشر شده از کودکان کشته شده سراسر فضای مجازی مملو کرده بود به گونه ای که هر آزاده ای خواهان پایان خون ریزی اسرائیل بود.

۲. فلسطینی ها سالهاست که با جنگ زندگی می کنند ولی برای شهرک نشینان داخل رژیم صهیونیستی حتی یک روز زندگی با تهدید های موشکی مشکل است و فکر مهاجرت را در ذهن آنها زنده می کند. آنچه در رژیم صهیونیستی نیز اتفاق افتاد نظارهایی برای خاتمه به این جنگ بود که نشان از شکست سنگین رژیم صهیونیستی بود.

۳. می توان توان نظامی و استراتژیک این جنگ را به دو قسمت تقسیم کرد و با هم مقایسه کرد. توان آن قبل از دستور تجهیز نوار غزه از سوی امام خامنه ای و بعد از آن.

اپیزود سوم: پایان جنگ شکست سنگینی را صهیونیست ها چشیدند. این را من نمی گویم بلکه معاون سابق وزیر جنگ خودشان می گوید. در این جنگ رژیم صهیونیستی به هیچ کدام از اهداف خود نرسید و هیمنه پوشالی سلاح های خود را نیز از دست داد ولی شکست بزرگتر در قلوب مردم اتفاق افتاد تا شاهد سیلی محکم دیگری بر دهان رژیم صهیونیستی باشیم.

*** (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً) وقتی تمامی حوادث جهان دال بر صحت این آیه دارد کاش اندکی هم علوم دانشگاهی روابط بین الملل بر این پایه تنظیم می شد.

دیسر

امام خمینی (ره):

دانشگاه مبدأ همه تحولات است. باید این مسأله را دنبال کنیم که دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفید گردد. معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند، و خودش را از غرب جدا کند، و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند؛ و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. اگر دانشگاه واقعاً دانشگاه باشد، و دانشگاه اسلامی باشد؛ یعنی در کنار تحصیلات، تهذیب هم در آن جا متحقق باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را این ها می توانند به سعادت برسانند. سلام بر جوانان برومندی که با سلاح علم در سرفرازی و اعتلای کشور، کشور عزیز اسلامی کوشا، و در رسیدن به هدف های انسانی- اسلامی از هیچ زحمت و کوششی دریغ ندارند.

امام خامنه ای (حفظه الله):

سلام مرا به فرزندان انقلابی ام برسانید و از تلاشهای جهادگانه ای آنان در ترویج و پاسداری از آرمانهای امام و انقلاب تشکر کنید و چند نکته را به آنان یادآوری کنید: ۱) در کنار تحصیل علم و دانش، از فرصت جوانی برای تهذیب نفس و انس با خدا و آشنایی عمیق با معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) بهره ببرید. ۲) شما افسران جوان جنگ نرم هستید و عرصه ی جنگ نرم، بصیرتی عمّارگونه و استقامتی مالک اشتروار میطلبید؛ با تمام وجود، خود را برای این عرصه آماده کنید. ۳) نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه هایش بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی آن را تحلیل کنید و برای رویارویی با آن، تمام ظرفیتهای خودتان را به کار گیرید و در این مسیر به وعده های خداوند اطمینان داشته باشید. ۴) تشکیلات می تواند معبد باشد، ولی مبدا تبدیل به معبود گردد؛ اصول و ارزشهای عقیدتی و معنوی خودتان را در قالب تشکیلات حفظ، و بر صمیمیت و همدلی بین اعضا تأکید کنید. ۵) افشای روشنی در مقابل شما جوانان قرار دارد. این کشور و انقلاب با دست پرتوان شما آینده ای امیدبخش در پیش رو خواهد داشت؛ بر تلاشهای خود بیفزایید و برای رسیدن به قله های پشرفت و تعالی از همدیگر سبقت بگیرید.

به نام آن که دلها را جلا داد و ما را توی دانشگاه جا داد «خداوندی که دانش لایزال است» خدایی مهربان و اهل حال است ***

الا کتکور ما را پیر کردی پُکاندی، خورد و خاکشیر کردی چه شب ها تا سه ی شب درس خواندیم نماز صبح ها را خواب ماندیم چه پو لایی به تست "گاج" دادیم چه قد در این "قلمچی" باج دادیم چه میگردیم خُب؟ مجبور بودیم اسیر جنگ این کتکور بودیم ***

سلامی ترش و شیرین مثل انگور به رد گردیدگان از سد کتکور نهایت غول را کشتی دمت گرم! زدی تو پوز آن مُشّی دمت گرم! الهی دشمنش رنجور گردد الهی قسمش کتکور گردد ولی کتکور که بر سوز و آه است قبولی توی آن آغاز راه است بخوانید ای عزیزان درس ها را که گردد نمره هاتان خوب، بالا که دانشجو نباید شوت باشد سه ترم پشت هم مشروط باشد وگرنه آخر ترم او غمین است «حسابش با کرام الکاتبین است» بخوان آنقدر تا "لاپلاس" گردی ریاضی را فیزیک را پاس گردی ولی معیار اینجا پاس کردن، نمیباشد رفیقان گل من!

برآ آینده ی کشور بخوانید که چون آهو درون گل نمایان! جوانی که فقط مدرک گرا شد ز علم واقعی بی شک جدا شد ***

الملاحم والفتن

محمد چیت ساز / پلیمر ۹۱

نشانه های ظهور مجموعه روایاتی است که درباره رویداد های آخر الزمان و علائم ظهور پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) بحث کرده است. معتبرترین کتاب درباره علائم ظهور متعلق به سید بن طاووس (متوفی ۶۴۰ هـ.ق) می باشد. مسائلی مانند ماجرای فدک، گزینش خلفا، هجوم به خانه وحی، روی کار آمدن معاویه ها، حجاج ها، شهدای راه فضیلت (عمار، حجرین عدی، میثم تمار)، شهادت سالار شهیدان، خروج احزاب مختلف، فتح استامبول توسط گروه کفر، اشغال عراق و افغانستان و ... سخن گفته است.

نشانه های ظهور به دو دسته علائم حتمیه و غیر حتمیه تقسیم می شوند. علائم حتمیه حداقل ۵ عدد بوده و نشانه هایی است که حتما رخ خواهد داد و نشاندهنده نزدیکی ظهور است و علائم غیر حتمیه بیش از ۲۰۰۰ مورد می باشد که ممکن است با دعا برای فرج اتفاق نیفتد.

شیخ صدوق (رحمه الله) در کتاب «کمال الدین» به نقل از امام صادق (ع) نشانه های حتمیه ظهور را نام می برد: «۱) خروج سفیانی (۲) خروج یمانی (۳) صیحه آسمانی (۴) قتل نفس زکیه (۵) خسف پیدا» ما در اینجا فقط به بیان یکی از نشانه های ظهور پرداخته و بقیه را به عهده پژوهشگران محترم می گزاریم.

خروج سفیانی ۸ ماه قبل از ظهور امام زمان(عج) به وقوع خواهد پیوست. او جنایت پیشه ای است به نام عثمان فرزند عنبسه از نسل ابا سفیان و هند جگر خوار می باشد، در سرزمینی خشک به نام یابس متولد شده و در دمشق به قدرت خواهد رسید، چهره ای به شدت زشت، پراپله، سرخگون، موهای بور، چشمان زاغ، در چشمش نقطه ی سفیدی است مردیست خون آشام، ستم پیشه و سنگدل، کودکان را سر بریده و بانوان را شکم می درد و هنگامی که بر سه کشور اردن، فلسطین و سوریه سیطره پیدا می کند. به قصد پیکار با حضرت مهدی(عج) خروج خواهد کرد. سپاه سفیانی در تعقیب آن حضرت به مدینه می رسد تا حضرت را به شهادت برساند و امام زمان در چنین شواظی از مدینه به سمت مکه حرکت کرده و خسف پیدا صورت می گیرد و سپاه سفیانی در نزدیکی مکه در زمین فرو می رود. آری اینست جزای آنان

وَأَخْرَجُوا مِنَ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

- اهم فعالیت های جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی قم در سال گذشته
- بازدید علمی از ناسیسات آستانه در حال ساخت هواپیمای واقع در فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره)
- بخش و نقد فیلم گذشته
- محفلی ادبی لاله ها
- نمایشگاه کتاب
- مناظره دانشجویی با موضوع تسخیر تا تماس - افتخار یا اشتباه
- اکران رسمی مستند میراث البرتا ۲
- برگزاری سیر مطالعاتی مسئله حجاب شهید مطهری
- بخش و نقد فیلم مرهم
- برگزاری همایش اخلاق مهندسی
- برگزاری همایش مطالبه گری از مسئولین به مناسبت روز دانشجو
- برگزاری همایش بررسی توافق ضعیف ژنو با حضور مهندس ناصر نوبوری
- بیانیه ای پیرامون روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران
- انتشار نشریه فرصت فرهنگی و صفتی



... زندگی نیست مگر سیری از «کم من ثناء جمیل لست اهلاً له نشرته» تا «اللهم ارحم من لا یرحمه العباد و اقبل من لا یقبله البلاد» زندگی یعنی پیمودن فاصله ای میان گفته ی حضرت امیر(ع) تا گفته حضرت سجاد(ع). و در این میان چاره ای ندارد الا اینکه از حضرت ابا عبدالله گذر کند.

آنچه خواندید قسمت کوتاهی بود از کتاب بی و تن رمانی زیبا از رضا امیر خانی. کتاب ماجرای رزمنده ای را نقل می کند که از دوستان شهیدش و هم رزم هایش در کربلای پنج جا مانده و دلباخته ی عشقی زمینی شده و به خاطر آن به آمریکا سفر می کند. هنگامی که در آمریکا قرار می گیرد با شرایط مالی و زندگی آنجا مواجه می شود و تمامی تلاش خود را می کند تا سبک زندگی اش مانند آنها نشود. آمریکایی که در این رمان به تصویر کشیده می شود کاملاً واقعی و محسوس است. اسم شرکت ها و موسسات روز در زمان استفاده شده و شرایط زندگی در آمریکا را درست به تصویر کشیده است. نویسنده با قلمی دلنشین تقابل میان فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی و مدرنیته را به تصویر می کشد. موضوعی که در فرهنگ امروزمان شاهد آن هستیم.

معرفی کتاب

هر کس غم و اندوه کسی را بر طرف کند خداوند گره از کار دنیا و آخرتش می کشاید امام حسین (ع)

